



Preliminary Research Models Regarding the Integration and Separation of Research from Prosecution

Behshad Didebantash¹, Mostafa Forutan^{2*}, Iman Usefi³

1. Ph.D Student of Department of Law, Faculty of Humanities, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

3. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 597-614

Article history:

Received: 23 May 2023

Edition: 7 Jul 2023

Accepted: 31 Aug 2023

Published online: 24 Oct 2023

Keywords:

Modeling, Preliminary Research, Pursuit, French Model, Iranian Model.

Corresponding Author:

Mostafa Forutan

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Faculty of Humanities, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0001-3181-8708

Tel:

09128204682

Email:

forutanmostafa@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Among the different stages of the criminal proceedings, the preliminary investigation stage is more important. The purpose of this article is to examine preliminary research models regarding the integration and separation of research from prosecution.

Materials and Methods: The research method is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used

Ethical Considerations: In this article, the originality of the text, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: In designing a suitable criminal procedure for every society, two points are important. First, a suitable criminal procedure is impossible except by thinking on the basis of models and modeling, and it is only with this method that different and conflicting pole are recognized and based on this knowledge. It is possible to use the best variables, and secondly, the design of the criminal procedure should be based on the social expectations of the society. It is a decades-old model that has entered the field of human sciences, and by having its own elements and components and emphasizing the different values of the path of the society's criminal procedure. determines

Conclusion: Modeling in the procedure is based on emphasizing the three elements of fair procedure, which are ethical principles, human rights and proper structure.

Cite this article as:

Didebantash B, Forutan M, Usefi I. Preliminary Research Models Regarding the Integration and Separation of Research from Prosecution. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.

دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

مدل‌های تحقیقات مقدماتی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب

بهشاد دیده‌بان‌تاش^۱، مصطفی فروتن^{۲*}، ایمان یوسفی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۹۷-۶۱۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

واژگان کلیدی:

مدل‌سازی، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، الگوی فرانسوی، الگوی ایرانی.

نویسنده مسئول:

مصطفی فروتن

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-0001-3181-8708

تلفن:

۰۹۱۲۸۲۰۴۶۸۲

پست الکترونیک:

forutanmostafa@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: از میان مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری مرحله تحقیقات مقدماتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. هدف مقاله حاضر بررسی مدل‌های تحقیقات مقدماتی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در طراحی آئین دادرسی کیفری مناسب برای هر جامعه دو نکته حائز اهمیت است. اول آنکه، آئین دادرسی کیفری مناسب جز با تفکر بر مبنای مدل و مدل‌سازی غیر ممکن است و تنها با این روش است که قطب‌های مختلف و متعارض شناخته می‌شود و بر اساس همین شناخت امکان به‌کارگیری بهترین متغیرها ایجاد می‌شود و دوم اینکه، طراحی آئین دادرسی کیفری باید بر اساس انتظارات اجتماعی جامعه صورت پذیرد. مدل چند دهه‌ای است که به عرصه علوم انسانی راه یافته است و با دارا بودن عناصر و اجزای خاص خود و تأکید بر ارزش‌های متفاوت مسیر آئین دادرسی کیفری جامعه را تعیین می‌کند.

نتیجه: مدل‌سازی در آئین دادرسی بر مبنای تأکید بر عناصر سه‌گانه دادرسی منصفانه که عبارت‌اند از اصول اخلاقی، حقوق بشر و ساختار مناسب انجام می‌گیرد.

۱. مقدمه

در هر کشوری ارزش‌ها و هنجارهایی وجود دارد که نظم جامعه بر اساس آن‌ها پایه‌گذاری شده است. برخی از این ارزش‌ها و هنجارها به حدی مهم هستند که در ضمانت و حمایت حقوق کیفری قرار می‌گیرند. بدیهی است برای تحقق عدالت کیفری از طریق حقوق کیفری، اجباراً باید از قوانین شکلی یعنی مقررات آئین دادرسی کیفری کمک گرفت؛ زیرا از زمان تدوین و تصویب قوانین شکلی و اجرای دقیق آن می‌توان با کمک ابزارهای آن، با تمرکز بر گذشته متهم، او را به مرحله اثبات برائت یا مجرمیت هدایت کرد و هم‌زمان با جلوگیری از خودسری و جانب‌داری مجریان عدالت کیفری، با کاهش اشتباهات قضایی، اجرای عدالت را سهل و ممکن ساخت. آئین دادرسی کیفری یک واسطه میان جرم و مجازات است که الزاماً به‌گونه‌ای باید طراحی شود که به حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه خللی ایجاد نشود. دادرسی کیفری مشمول مراحل از جمله: کشف، تحقیق، تعقیب، صدور حکم و اجرای آن است که انجام هر کدام از این مراحل توسط اشخاص متخصصی مانند، بازپرس، دادستان، قاضی دادگاه و قاضی اجرای احکام صورت می‌گیرد (آخوندی، ۱۳۸۷، ج ۶، ۳۱). آئین دادرسی کیفری نقطه تلاقی حق و باطل و تمیزدهنده آن‌ها از یکدیگر است. به عبارت دیگر این بخش، یک آئینه تمام‌قد برای میزان احترام دولت به حقوق اشخاص و نظم اجتماعی است که تقابل و تعارض حقوق اشخاص و نظم اجتماعی را به‌خوبی می‌توان در آن دید. حساسیت این موضوع همان‌گونه که بررسی گردید در قسمت زیربنایی این بخش یعنی تحقیقات مقدماتی بسیار زیاد است. به همین دلیل است که تحقیقات مقدماتی همواره محل مناقشه طرفداران

حقوق اشخاص و صاحبان قدرت بوده است که تنوع در این موازنه قدرت سبب به‌وجود آمدن الگوهای متنوعی در تحقیقات مقدماتی شده است. الگوهای موجود در تحقیقات مقدماتی اگرچه به حد زیاد قابل تصور است؛ اما آنچه امروز مورد تمرکز و تفکر است در دو حوزه بررسی می‌شود: (۱) الگوهای تفکیک تحقیق از تعقیب؛ (۲) الگوهای ادغام تحقیق و تفکیک. ریشه پدیدار شدن این دو الگو در وجود یا نبود بازپرس در آن‌ها است. بدین‌صورت که وجود بازپرس تحقیقات مقدماتی را دو شق کرده است و با خروج ابتکار عمل در شق دوم یعنی بخش تحقیقات از ید بازپرس خود عامل انجام آن می‌شود. بدین‌وسيله الگوهای دارای بازپرس و بدون بازپرس تشکیل می‌شوند. از میان الگوهای دارای بازپرس به‌عنوان نماینده برای بررسی، الگوی فرانسوی و الگوی ایرانی به‌عنوان یکی از بهترین نمونه‌ها انتخاب شده است. به دلیل اینکه الگوی فرانسوی، الگویی است که از یک طرف اولین بار بازپرس را معرفی کرد و از سوی دیگر خود به تعدیل بازپرس پرداخته است. به همین دلیل زوایای مختلف نهاد بازپرس را در این الگو به‌صورت واضح می‌توان درک کرد. الگوی ایرانی هم به‌عنوان الگوی کشور محقق، نهاد بازپرسی در آن سرنوشتی پر فراز و نشیب داشته است و شایسته بررسی است. در خصوص تفکیک تحقیق از تعقیب، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. ابوالحسن شاکری و رضا هادی‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای، اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. رجب گلدوست جویباری و فرامرز قلی‌پور جمنانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای، عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون

بهترین متغیرها ایجاد می‌شود و دوم اینکه، طراحی آئین دادرسی کیفری باید بر اساس انتظارات اجتماعی جامعه صورت پذیرد. مدل چند دهه‌ای است که به عرصه علوم انسانی راه یافته است و با دارا بودن عناصر و اجزای خاص خود و تأکید بر ارزش‌های متفاوت، مسیر آئین دادرسی کیفری جامعه را تعیین می‌کند.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا الگوی فرانسوی تحقیقات مقدماتی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب بررسی می‌شود و در ادامه از الگوی ایرانی تحقیقات مقدماتی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب بحث می‌شود.

۵-۱. الگوی فرانسوی

الگوسازی و مدل‌سازی در حوزه‌های مختلف علوم سابقه مناسبی دارد؛ اما در حوزه علوم کیفری و علوم جنایی، به نظر می‌رسد سیاست جنایی، نسبت به سایر شاخه‌ها پیش‌گام باشد. به نحوی که، دلماس مارتی با تأکید بر متغیرهای چهارگانه: «دولت»، «اجتماع»، «جرم» و «انحراف» مدل‌ها و الگوهای مختلف سیاست جنایی را مطرح کرد. به کارگیری الگو و مدل در آئین دادرسی کیفری موضوعی دارای پیشینه طولانی نیست. الگوها مانند خیلی از موضوعات ابتدا به محک علوم تجربی و طبیعی زده شده‌اند و بعدتر در علوم انسانی، به خصوص در علوم مدیریت و اقتصاد به کار رفته‌اند و بیشترین بهره-

آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را بررسی کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده بررسی مدل‌های تحقیقات مقدماتی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب است. بر اساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که مدل‌های تحقیقات مقدماتی در الگوی فرانسوی و ایرانی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب چگونه است؟ به منظور بررسی پرسش مورد اشاره، ابتدا الگوی فرانسوی و سپس مدل ایرانی تحقیقات مقدماتی از باب ادغام و تفکیک تحقیق از تعقیب مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: در طراحی آئین دادرسی کیفری مناسب برای هر جامعه دو نکته حائز اهمیت است. اول آنکه، آئین دادرسی کیفری مناسب جز با تفکر بر مبنای مدل و مدل‌سازی غیر ممکن است و تنها با این روش است که قطب‌های مختلف و متعارض شناخته می‌شوند و بر اساس همین شناخت امکان به کارگیری

جمهوری روم تنظیم شد. به این صورت که یک کمیتهٔ ۱۰ نفری مأمور شدند تا با توجه به وجود قوانین گوناگون دربارهٔ مردم و اشراف‌زادگان، قانون واحدی را تنظیم کنند. کمیتهٔ مزبور ۱۰ لوح را تهیه و تنظیم کرد؛ اما بعدتر با توجه به عدم رضایت مردم، کمیتهٔ دیگری تشکیل و دو لوح دیگر تهیه و تنظیم شد که مجموعاً به الواح دوازده‌گانه مشهورند (شیروی، ۱۳۸۹، ۱۹۷).

ویژگی‌های اساسی نظام حقوقی رومی-ژرمنی یا نوشته را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد: (۱) وحدت سیستم حقوقی؛ که به کمک آن، حقوق در کل کشور دارای وحدت است. (۲) وحدت منشأ قانون؛ که بر اساس آن، قانون از قوهٔ مقننه یا نمایندگان مردم نشئت می‌گیرد که علت وجود و هستی عنوان نظام حقوقی نوشته برای این نظام هم در این موضوع است. (۳) خصوصیت تکامل‌یافتهٔ حقوق؛ بر طبق آن، مقنن انتظار دارد که تمامی روابط اجتماعی و حتی خانوادگی تحت حاکمیت قانون باشد. (۴) جدایی و تفکیک حقوق از اخلاق، مذهب و سیاست.

اگرچه حقوق فرانسه وابسته به نظام حقوقی نوشته است؛ اما ویژگی‌های خاص آئین دادرسی کیفری این کشور باعث شدند که حقوق‌دانان و متخصصان نظام عرفی یا کامن‌لا توجه خاصی به این بخش از حقوق فرانسه از خودشان بروز دهند و از آن به‌عنوان وجه ممیزه یا نماد حقوق فرانسه یاد کنند (جان بل، بویرون؛ سایمون ویتاگر، ۱۹۹۸، ۱۲۳). در ادامه مهم‌ترین وجوه تمایز این نظام آئین دادرسی کیفری را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

برداری را داشته‌اند. تحلیل الگوها و مدل‌ها در آئین دادرسی نیازمند تشخیص اقسام الگوها در این شاخه و کارکرد آن‌ها در ساختار آئین دادرسی است.

فرانسه به‌عنوان یک کشور مترقی در حوزهٔ علوم انسانی به‌ویژه علم حقوق همواره رسالت خود را ایفا کرده است و در بسیاری مواقع پیش‌رو بوده است. این پیش‌روی‌ها در حقوق کیفری هم مغفول نمانده است. بررسی الگوی فرانسوی به‌عنوان یک الگوی دارای بازپرس، از دو جهت اهمیت دارد: (۱) کشور فرانسه را می‌توان یک کشور صادرکنندهٔ نهاد بازپرس به سایر کشورها دانست؛ (۲) نقش بازپرس در فرانسه با چالش‌ها و انتقادات فراوانی روبه‌رو شده است و حتی پیشنهاد «حذف» نیز مطرح شده است. اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، از آنجا که آئین دادرسی کیفری برخی از کشورها از ابتدا برگرفته از الگوی فرانسوی است، حذف بازپرس بر آئین دادرسی کیفری آن کشورها بی‌تأثیر نخواهد بود.

برای بررسی بهتر مدل تحقیقات مقدماتی در فرانسه لازم است توضیحاتی در خصوص کلیت نظام حقوقی فرانسه مطرح شود. از لحاظ ریشه‌شناسی، حقوق فرانسه را باید جزئی از نظام حقوق رومی-ژرمنی یا نوشته دانست. نظامی که در اروپای قاره‌ای یا بری شکل گرفته است و «در آنجاست که امروزه نیز مرکز اصلی خود را حفظ کرده است. هرچند در اثر توسعه‌طلبی، کشورهای متعددی در خارج از قارهٔ اروپا به این نظام حقوقی پیوسته‌اند یا قسمتی از عناصر آن را قبول کرده‌اند» (رنه، ژوفره، ۱۳۸۷، ۴۱).

به‌صورت دقیق‌تر، نظام حقوق رومی-ژرمنی یا نوشته، ریشه در حقوق روم دارد. در سال ۴۵۵ قبل از میلاد مسیح، یک مجموعه الواح دوازده‌گانه در دورهٔ

۵-۱-۱. تفتیشی بودن آئین دادرسی کیفری فرانسه

تفتیش به معنای جست‌وجو و پرس‌وجو برای یافتن زوایای پنهان یک موضوع که حقیقت آن مشخص نیست و کشف آن الزامی است. اگرچه در نظام اتهامی قاضی به دلیل داشتن خصوصیت منفعل بودن، به عنوان داور مسابقه بین طرفین دعوا حضور دارد و هیچ‌گاه مستقیم متهم را مورد بازجویی قرار نمی‌دهد و همچنین در روند گردآوری دلایل و تحقیقات مقدماتی دخالت نمی‌کند؛ اما در مقابل، در نظام تفتیشی مسئله فرق می‌کند. در این نظام با اینکه اصل بر تفکیک قوا است و نباید هیچ شخص در کار دیگری دخالت کند، مرجع تحقیق و مرجع رسیدگی (با خصوصیت فعال بودن)، هر دو حق و وظیفه گردآوری دلایل مرتبط با جرم را دارند. این جمع‌آوری ادله مرتبط میسر نمی‌شود؛ مگر در گرو اقدامات تفتیشی که خود این اقدامات تفتیشی مجموعه‌ای از فعالیت‌های گسترده و تخصصی است که توسط نیروهای متخصص در اختیار صاحبان حق تفتیش صورت می‌پذیرد.

۵-۱-۲. تأکید بر پرونده به جای شخص

در الگو فرانسوی، پرونده‌ای که در مرحله تعقیب و تحقیق جمع‌آوری و مستند شده است، دارای رسمیت، ارزش و اعتبار است و قاضی رسیدگی‌کننده را از انجام خیلی از تحقیقات بی‌نیاز می‌سازد. بنابراین اصل مستندسازی پرونده در این الگو یک اصل اساسی و انکارناشدنی است. به گونه‌ای که اسناد پرونده بر اظهارات شفاهی طرفین ارجحیت دارد و

چنانچه سندی در پرونده تحقیقات مقدماتی گردآوری شده باشد اگر از نظر قانونی خدشه‌ای نداشته باشد عدم توجه به آن می‌تواند از موارد تجدیدنظر خواه متضرر باشد. درحالی که برعکس در الگوهای متناظر مانند انگلستان و آمریکا، شخص متهم و وکیل او نقش فعالی در مرحله رسیدگی دارند. به این صورت که اظهارات و مذاکراتشان از اهمیت بیشتری نسبت به پرونده ایجادشده در مرحله تحقیقات مقدماتی برخوردار است.

۵-۱-۳. فعال بودن قضات

نقش و حوزه اختیارات قاضی در نظام‌های مختلف متفاوت است و بر همین اساس قضات را به دو بخش فعال و منفعل تقسیم کرده‌اند. فعال بودن قضات به این معنا است که وی به‌شخصه دارای وظیفه و مسئولیت تعریف‌شده برای کشف حقیقت است و به همین دلیل برای به‌دست آوردن هر دلیل و مدرکی که برای روشن شدن حقیقت لازم باشد، مستقیم یا با واسطه وارد عمل خواهد شد. استماع از شهود، تحقیق یا معاینه محل، کمک گرفتن از کارشناسان، بازجویی از متهم و غیره از جمله اقداماتی هستند که قضات می‌توانند شخصاً انجام دهند یا از دیگران کمک بگیرند. شایان ذکر است مقنن ایران در هنگام تدوین و تصویب قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۹۲ با تبعیت از الگوی فرانسوی، در بندهای ۳۵۹ و ۳۶۲ و ۳۷۰ به فعال بودن قاضی اشاره کرده است.

۵-۱-۴. وجود قاضی تحقیق یا بازپرس

بازپرس یا قاضی تحقیق که نماد نظام تفتیشی است از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی فرانسوی است و در واقع الگوی فرانسوی در ایجاد این نهاد در فرآیند کیفری ابتکار عمل را در دسترس دارد. اگرچه امروزه از اقتدار این نهاد کاسته شده است، اگر زمانی چنین شخصی وجود نداشته باشد، نظام تفتیشی دیگر مفهوم قبل خود را نخواهد داشت و حتی امکان اینکه به نظام حقوقی دیگر مثل نظام اتهامی تبدیل شود، بسیار زیاد است؛ زیرا در نظام اتهامی، وظایف بازپرس را دادستان به همراه پلیس انجام می‌دهد.

۵-۱-۵. وجود هم‌زمان بازپرس و دادستان در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی و تعلق هر دو به قوهٔ قضائیه

نسخ الگوهای ابتدایی بر این پایه طراحی شده بود که در بخش بدون بازپرس، دادستان عضوی از قوهٔ مجریه و وابسته به وزیر دادگستری باشد؛ اما در الگوی فرانسوی بازپرس و دادستان هر دو با گذراندن ادوار آموزشی یکسان و مشخص، به قوهٔ قضائیه تعلق دارند. به بیان دیگر، هر دو مقام قضایی محسوب می‌شوند (جان بل؛ بویرون؛ سایمون ویتاکر، ۱۹۹۸، ۱۲۲-۱۲۵).

با توجه به خصوصیات فوق، به خصوص حضور و نقش هم‌زمان بودن بازپرس و دادستان در روند دادرسی کیفری و مشخص کردن نقش و وظیفهٔ بازپرس در الگویی که الگوی اصلی شناخته می‌شود، لازم است به جایگاه بازپرس و دادستان در حقوق کیفری فرانسه توجه شود.

۵-۱-۶. جایگاه بازپرس و دادستان در فرانسه

در الگوی فرانسوی، دادستان با عنوان مقام تعقیب و بازپرس با عنوان مقام تحقیق شناخته می‌شوند. با نگاه به پیشینهٔ تاریخی هر کدام از این دو مقام تحلیل وضعیت امروز ایشان آسان‌تر خواهد بود. بازپرس که با کد ۱۸۰۸ ناپلئون وارد فرآیند کیفری فرانسه شد فراز و نشیب فراوانی را سپری کرد. در گذشته، بازپرس یک افسر پلیس قضایی بود و بر طبق مواد ۵۷ و ۲۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۸۰۸ زیر نظر دادستان قرار داشت. مطابق این قانون، ارجاع پرونده‌های کیفری به شعب گوناگون بازپرسی از وظایف دادستان محسوب می‌شد. بنابراین بازپرس ابتدا از نیروهای تحت امر دادستان بود که این موضوع در آیندهٔ امروزی او تأثیرات فراوانی داشته است. مطابق قوانین فعلی و با دو هدف؛ یکی رعایت اصل تساوی سلاح‌ها و دیگری تثبیت شأن قضایی بازپرس، با مستقل شدن وی، وظایف تحقیقی از دادستان سلب و با ارتقای سطح قضایی وی عنوان افسر قضایی از وی برداشته شد و حذف شد.

مقنن فرانسوی، برای رعایت تفکیک مراحل تعقیب از تحقیق در برخی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه از اصطلاحات گوناگون استفاده و دادستان را مقید به انجام تحقیقات و وابسته به شرایط خاص خود کرده است. طبق مادهٔ ۴۹ ق.آ.د.ک فرانسه: «همان‌گونه که در فصل اول بخش سوم گفته شده است، بازپرس مسئول انجام تحقیقات است. او در پرونده‌های کیفری که به عنوان بازپرس دخالت داشته است، نمی‌تواند رأی صادر کند. ضمانت اجرای این موضوع بطلان رأی است». بازپرس مسئول انجام تحقیقات است و طبق مادهٔ ۵۰ قانون مذکور:

«بازپرس که از میان قضات دادگاه انتخاب می‌شود، مطابق با تشریفات انتصاب قضات نشسته منصوب می‌شود». بازپرس از میان قضات دادگاه، به‌عنوان قاضی نشسته انتخاب می‌شود.

به‌طور کلی، انجام تحقیقات در ارتباط با جرائم مشهود و تحقیقات ابتدایی انجام‌شده توسط دادستان و نیز تحقیقات مقدماتی که در محدوده وظایف و اختیارات بازپرس است، شامل موازین گوناگون هستند. طبق م ۷۹ قانون مذکور که حضور بازپرس فقط در جنایات الزامی است، به آن معنا است که دادستان در سایر موارد می‌تواند به‌عنوان مرجع تحقیقات وارد صحنه شود و در مقابل دادگاه از پرونده خود دفاع کند.

۵-۱-۶-۱. انجام تحقیقات توسط دادستان

هنگامی که اصلی به‌عنوان تفکیک تحقیق از تعقیب مطرح شد ابزار اجرایی آن بازپرس قرار داده شد. به‌گونه‌ای که اقدامات تحقیقی او و ممنوعیت تحقیق توسط دادستان و ایادی‌اش کلیت این اصل را تشکیل داد. اما بعدها این اصل تعدیل شد و یکی از موارد مهم عدول از آن: «سپردن امر تحقیقات به مقامات قضایی به غیر از بازپرس» است. در کشورهای مانند آلمان، ایتالیا، پرتغال، مرحله تحقیقات مقدماتی به دادستان سپرده شده است که او نیز با کمک معاون یا معاونان و یا نیروی پلیس اقدامات لازم را انجام می‌دهد. باید به این نکته توجه داشت که حذف مقام تحقیق یا بازپرس به دلیل افزایش اختیارات دادستان صورت نگرفته است؛ بلکه به دلیل رعایت اصل تساوی سلاح‌ها و کنترل اقدامات دادستان است (قلی‌پورو

دیگران، ۱۳۹۴، ۱۵۵-۱۵۶). اقدامات تحقیقاتی دادستان فرانسوی، در موارد زیر خلاصه می‌شود.

۵-۱-۶-۲. تحقیق در جنایات و جنحه‌های

مشهود

قانون‌گذار فرانسوی که خود از واضعان تفکیک تحقیق از تعقیب است، رعایت کامل این اصل را برناتافته است و بنا به توجیهات متعدد در مواد مختلفی اقدامات تحقیقاتی مرجع تعقیب را بسط و تشریح کرده است. نمونه این عمل، در فصل اول از بخش دوم قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه آمده است که بیان می‌کند: «تحقیقات توسط دادستان در جنایات و جنحه‌های مشهود انجام می‌شود». توجیه این است که کاملاً طبیعی است که به‌لحاظ روند آئین دادرسی کیفری جنایات و جنحه‌های مشهود با جنایات و جنحه‌های نامشهود متفاوت هستند. جرائم مشهود نیازمند پاسخی هرچه سریع‌تر هستند و واکنش‌های یکسان به جرائم مشهود و نامشهود تبعات منفی به‌همراه خواهد داشت. این تبعات، مواردی هم‌چون، فرار متهم و ادامه پیدا کردن رفتار مجرمانه و یا از بین رفتن دلائل مرتبط با جرم ارتكابی خواهد بود. به‌همین دلیل، و شاید حمایتی در جهت تسهیل اقدامات تعقیبی دادستان در قانون فرانسه ضوابط متفاوتی در این‌باره حاکم است.

انجام تحقیقات توسط دادستان در موارد مشهود به‌موجب م ۵۳ ق.آ.د.ک فرانسه، نهایت تا ۸ روز از تاریخ وقوع جرم صورت می‌گیرد که این مهلت با تشخیص خود دادستان و با توجه به شرایط پیش‌آمده به‌مدت ۸ روز دیگر نیز قابل تمدید است. افسران و

بدون حضور بازپرس انجام می‌گیرد؛ دادستان مجوز انجام هر اقدامی مانند جمع‌آوری دلائل مرتبط با جرم ارتكابی را دارد.

۵-۱-۶-۴. انجام تحقیقات توسط بازپرس

آنچه بیان شد جلوه‌های افول قدرت و یکه‌تازی بازپرس در فرانسه بود؛ اما همان‌گونه که گذشت این موارد استثنائات اصل کلی تفکیک تحقیق از تعقیب بود و اصل کماکان به قوه خود باقی است و برخلاف تلاش‌های صورت‌گرفته هم‌چنان به کار خود ادامه می‌دهد. از لحاظ شکلی، بازپرس در فرانسه قاضی منتخب از میان قضات دادگاه است. در دادگاه‌های بزرگ تحقیقات مقدماتی جرائم را اغلب چند قاضی به‌طور دائم به‌عنوان بازپرس برعهده می‌گیرند. این قضات در صورت لزوم در جلسات رسیدگی به دعاوی مدنی و جنحه (در صورتی که تحقیقات مقدماتی جرم مورد نظر را انجام نداده باشد) شرکت می‌کنند. به‌طور کلی بازپرس با شکایت بزه‌دیده همراه با دعاوی خصوصی و یا با درخواست مقدماتی دادستان شهرستان، دست به انجام تحقیقات مقدماتی می‌زند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۸۹-۱۸۶).

بررسی مواردی که دادستان در آن‌ها به شکل هم‌زمان موظف به انجام مراحل تحقیق و تعقیب است، نشان داد که حضور بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی همه جرائم الزامی نیست. به بیان بهتر، تحقیق جرائم برعهده بازپرس است؛ مگر در مواردی که دادستان جایگزین وی می‌شود. طبق ماده ۱۱۱-۱ قانون مدنی فرانسه، مقنن جرائم را بر طبق «شدت مجازات» به سه دسته تقسیم کرده

مأموران پلیس قضایی زیر نظر دادستان فعالیت می‌کنند و در این فرصت زمانی، تحقیقات شامل موارد مختلفی می‌شود. هم‌چنین دادستان می‌تواند تمام ادله و آثار جرم را جمع‌آوری، داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای را ضبط، اظهارات شهود و مطلعان را استماع و حتی اشخاص متهم را جهت بازجویی احضار کند.

۵-۱-۶-۳. انجام تحقیقات ابتدایی توسط دادستان

تحقیقات ابتدایی یا تحقیقات تمهیدی را می‌توان مجموعه‌ای اقدامات تحقیقی دانست که توسط دادستان قبل از شروع تعقیب و با هدف جمع‌آوری دلائل و اطلاعات صورت می‌گیرد تا دادستان در ارتباط با پیگیری یا عدم پیگیری دعوای عمومی به تصمیم‌گیری بنشیند (کوشکی، ۱۳۸۷، ۱۰۸). در قیاس تحقیقات ابتدایی با تحقیقات صورت‌گرفته در جرم مشهود می‌توان گفت که هر دو شکل این تحقیقات کلاً قهری و یک‌شویه هستند؛ اما در تحقیقات ابتدایی، همه اقدامات تحقیقاتی باید با رضایت متهم انجام شود. دیوان عالی کشور فرانسه نیز بر لزوم وجود رضایت متهم یا هر شخص دیگر تأکید می‌کند و هر گونه فرض عدم رضایت را رد می‌کند (کوشکی، ۱۳۸۷، ۱۰۹). نمونه رضایت را می‌توان در میان مواد ۷۵ تا ۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه یافت؛ ولی نکته قابل توجه در این شکل از تحقیقات آن است که انجام تحقیقات در خصوص جرائم مستوجب حبس بیش از ۵ سال، بدون رضایت متهم و با تجویز قاضی آزادی‌ها و بازداشت امکان‌پذیر است. در این نوع از تحقیقات که

است: ۱) جرائم خلاف (طبق مواد ۱۲-۱۳۱ و ۱۳۴ ق.م.فرانسه). ۲) جرائم جنحه (طبق ماده ۳-۱۳۱ ق.م.فرانسه). ۳) جنایاتی که مجازات آن بسیار شدید است؛ یک نمونه از این مجازات‌ها حبس ابد است (م ۱۳۱-۱ ق.م.فرانسه). با توجه به م ۷۹ ق. آ.د.ک. فرانسه، حضور بازپرس با عنوان مرجع تحقیق فقط در خصوص جنایات الزامی است. مطابق ماده ۷۹: «انجام تحقیقات مقدماتی در موضوع جنایات الزامی است؛ مگر آنکه مقررات اختصاصی ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. انجام تحقیقات مقدماتی راجع به جنحه‌ها اختیاری است و در زمینه خلاف‌ها در صورتی که دادستان شهرستان در راستای اجرای ماده ۴۴ لازم بداند تحقیقات مقدماتی انجام می‌گیرد.» و در سایر موارد به تشخیص دادستان، یکی از روش‌های ذکرشده در بالا اجرا می‌شود.

الف) اختیارات مربوط به انجام تحقیقات و جمع‌آوری دلایل

کیفیت انجام تحقیقات مقدماتی، حقوق و تکالیف متهمان و مقامات تحقیق یا بازپرس در چهارچوب آئین دادرسی کیفری در قوانین اکثر کشورها مورد توجه قرار گرفته است و به آن معنا است که اجرای عدالت (جز در موارد استثنایی و جرائم کم‌اهمیت) بدون انجام تحقیقات مقدماتی ناممکن است. به همین دلیل، با توجه به اهمیت مرحله تحقیقات مقدماتی که پایه و اساس دادرسی‌های کیفری هستند، لازم است تا یک مقام تحقیق مستقل از دادستان، دولت، دادگاه و طرفین دعوا وجود داشته باشد (علوی، ۱۳۹۴، ۴۷).

طبق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. فرانسه: «بازپرس بر طبق قانون به کلیه اقدامات تحقیقاتی که او برای کشف حقیقت، مفید ارزیابی می‌کند، اقدام می‌نماید. این تحقیقات خواه به نفع یا ضرر شخصی باشد، انجام می‌شود. یک کپی از این اقدامات و کلیه اسناد دادرسی نگه‌داری می‌شود» (تدین و دیگران، ۱۳۸۱، ۶۸). بازپرس با اهدافی همچون: بازرسی، تحقیق از شخص متهم، استماع شهود و غیره، اختیارات کامل در مرحله تحقیقات مقدماتی را دارد. نیز ملزم به انجام تحقیقات به‌طور شخصی نیست و می‌تواند با کمک پلیس قضایی اقدامات لازم را انجام دهد و نیز مطابق ماده ۱۲۲ همین قانون، «دستور عمل» صادر کند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۸۹). مطابق ماده ۱۲۲: «بازپرس می‌تواند بنا به مورد، دستورهای جست‌جو و تحقیق و احضار و جلب و دستگیری متهم را صادر نماید. قاضی آزادی‌ها و بازداشت می‌تواند دستور به حبس صادر نماید. دستور جست‌وجو و تحقیق می‌تواند نسبت به شخصی صادر شود که علیه وی یک یا چند دلیل موجه که این ظن را ایجاد می‌کند که او مرتکب جرم شده است یا شروع به ارتکاب جرم کرده است؛ وجود دارد...» دستور مذکور به سه صورت است: ۱) دستور احضار؛ دستوری است که فقط برای دعوت اشخاص در یک روز مشخص صادر می‌شود. ۲) دستور جلب؛ نوعی دعوت متهم محسوب می‌شود و در صورت لزوم، امکان هدایت او به نزد بازپرس وجود دارد و حتی می‌توان با کمک نیروهای دولتی همراه باشد. ۳) دستور دستگیری متهم؛ زمانی به کار گرفته می‌شود که متهم فراری یا خارج از مرزهای حکومت باشد. این دستور به نیروهای دولتی ابلاغ می‌شود تا به تحقیق و جست-

جوی متهم یا شخص مورد نظر عمل کنند و در صورت دستگیری، او را روانهٔ زندان کنند.

مجموع این موارد اختیارات بازپرس برای انجام تحقیقات مقدماتی را تشکیل می‌دهد که تلفیقی از اختیارات قضایی و اقدامات فنی را نشان می‌دهد که مبین دوگانگی مقام بازپرس است.

ب) اختیارات قضایی بازپرس

در الگوهای دارای بازپرس، وجود شأن قضایی وابسته به مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی است؛ چون بازپرس در پایان مرحلهٔ مذکور، در خصوص رفتار متهم و انتساب جرم به او آشنایی پیدا کرده است و به اقناع وجدانی رسیده است. به همین خاطر می‌تواند در مورد پرونده اظهار نظر کند (یوسفی، ۱۳۹۲، ۲۳۱). اظهار نظر او به صورت «قرار» است. این قرارها را نباید با دستورهای مرحلهٔ تحقیقات اشتباه گرفت. به بیان بهتر، اکثر قرارهای بازپرس در مورد «صلاحیت و اقدامات تحقیقاتی» که به او ارجاع شده‌اند، صادر می‌شوند. به این صورت که بعد از اتمام یافتن تحقیقات و با توجه به دلایل جمع‌آوری شده، بازپرس قرار منع تعقیب یا جلب به دادرسی را صادر می‌کند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۹۰). در صدور هر نوع قرار، منظور از وجود اقناع وجدان قضایی کامل به اصل «فراتر از هر شکل معقول» این است که «وجود یک یا چند دلیل معقول در تصمیم‌گیری» کافی نیست (یوسفی، ۱۳۹۲، ۲۲۱). یعنی بازپرس باید کامل از مجرم بودن یا نبودن متهم مطمئن شود و الزاماً دلایل بسیار محکم و قوی باید در اختیار داشته باشد.

بنابراین، وظیفهٔ اصلی بازپرس در دادرسی کیفری فرانسه «انجام تحقیقات» است و بعد از اتمام تحقیقات با توجه به شأن قضایی او، در مورد کفایت یا عدم کفایت ادلهٔ اثباتی تصمیم‌گیری می‌کند و درعین حال، اکثر اقدامات مربوط به تحقیقات مقدماتی در پرونده‌های کیفری به دادستان سپرده شده است و بازپرس نقش کمتری در این زمینه دارد. در زمینهٔ اصل بی‌طرفی، منتقدان بازپرس بیان کرده‌اند که: «چون بازپرس دارای دو شأن قضایی و تحقیقی می‌باشد، به‌خاطر همین نمی‌تواند اصل بی‌طرفی را رعایت کند. درحالی‌که اشخاصی دیگر مانند دادستان، قاضی دادگاه و قاضی ناظر این‌گونه نیستند.» (یوسفی، ۱۳۹۲، ۲۲۶).

۵-۲. الگوی ایرانی

الگوی ایرانی از نظر ماهیتی مانند الگوی فرانسوی از نوع الگوهای دارای بازپرس است که در ادامه با بررسی سابقهٔ تاریخی موضوع، دلیل این مشابهت نمایان خواهد شد؛ اما این تشابه در ماهیت دلیلی بر نبود تفاوت‌های اساسی نیست. برای مثال برخلاف الگوی فرانسوی، نمی‌توان الگوی ایرانی را یکی از الگوهای دارای مانع دانست. به این دلیل که از یک سو، بازپرس در مراحل سه‌گانه «نقض حریم خصوصی»، «نقض آزادی افراد» و «تصمیم‌گیری برای ارسال پرونده به دادگاه» دارای اختیار است و از سوی دیگر، همانند الگوی فرانسوی، قاضی مستقل دیگری وجود ندارد تا بر اقدامات بازپرس نظارت کند. به بیان دیگر، بازپرس در الگوی ایرانی زیر نظارت دادستان قرار دارد و این نظارت را نمی‌توان یک نظارت قضایی مستقلانه و بی‌طرفانه دانست. برای

درک بهتر الگوی ایرانی ضروری است به سابقه تاریخی آن رجوع شود.

۵-۲-۱. بازپرس در نظام دادرسی ایران

بازپرس به عنوان یکی از مقامات اصلی دادرسی است که از ابتدای تشکیل دادرسی در ایران همراه آن بوده است و به تبع تغییر و تحولات دادرسی، فراز و نشیب زیادی را متحمل شده است. این فراز و نشیب هرچند تعرضی به کلیت وجود یا نبود بازپرس نداشته است؛ اما حوزه اختیارات و وظایف وی بر اساس سیاست‌های کلی دست‌خوش تغییراتی بوده است که در ادامه بررسی خواهد شد.

صادر کند. درحالی‌که در فرانسه، وظیفه و اختیار بازپرس در زمینه آزادی یا بازداشت متهم را به قاضی آزادی‌ها و بازداشت منتقل کرده‌اند. به بیان بهتر، بازپرس فرانسوی از اختیارات گسترده‌ای برخوردار نیست.

به هر حال، اگر مرحله تحقیقات مقدماتی را شامل مراحل: (۱) «کشف جرم و جمع‌آوری ادله»؛ (۲) «جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم با کمک انواع قرارها مانند: اخذ تأمین» و (۳) «اظهار نظر درباره کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی» بدانیم (جوانمرد، ۱۳۸۹، ۱۲۴)، بازپرس ایرانی به شرح زیر در هر سه مرحله نقش فعالی دارد.

۵-۲-۳. شأن تحقیقی بازپرس در الگوی ایرانی

بازپرس در قانون اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۴، نسبت به قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۳۹۰ ه.ش دارای امتیاز ویژه‌ای است. مطابق ماده ۹۲ قانون اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۴: «تحقیقات مقدماتی در کلیه جرائم برعهده بازپرس است»؛ بدین معنا که برعکس قوانین گذشته وی یک «ضابط قضایی» نیست؛ بلکه یک «مقام قضایی» محسوب می‌شود.

این مقام قضایی با استناد به یکی از جهات قانونی، تحقیقات مقدماتی را شروع کرده است و در صورت نیاز از مأموران یا ضابطان دادگستری کمک می‌گیرد. جهات مزبور در ماده ۸۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ شامل موارد زیر می‌شوند: ۱. ارجاع دادستان. ۲. شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و

۵-۲-۲. بازپرس در ایران، مقام تحقیق و قضاوت

در قوانین کیفری ایران، بازپرس همانند بازپرس فرانسوی دارای شئون تحقیقی و قضایی است؛ اما تفاوت میان آن‌ها، در این است که شأن قضایی بازپرس در آئین دادرسی کیفری ایران با شأن قضایی بازپرس در آئین دادرسی کیفری فرانسه قابل قیاس نیست. به نظر می‌رسد که بازپرس در الگوی ایرانی قبل از اینکه مقام تحقیق باشد مقام قضایی است و با دید قضایی امور تحقیقاتی را انجام می‌دهد و شأن قضایی وی کامل رفتار وی را تحت الشعاع قرار داده است. بازپرس ایرانی علاوه بر اینکه در مورد کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی نظر قضایی می‌دهد، در خصوص قرارهای تأمین تصمیم می‌گیرد و به دنبال آن، در مورد آزادی یا بازداشت متهم نیز قرار مناسب

ضابطه تشخیص این قرارها از همدیگر، تحقق یا عدم تحقق فراغ است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸، ۵۷).

قرارهای اعدادی، به دو دسته تقسیم می‌شوند: (۱) نوعی از این قرارها فقط برای انجام تحقیق خاصی قابلیت اجرا دارند و با حقوق و آزادی مردم هیچ‌گونه منافاتی ندارند. به بیان دیگر، از لحاظ اصولی نیازمند دخالت یک قاضی مستقل همانند بازپرس نیست. قرار کارشناسی (موضوع ماده ۱۲۹ ق.آ.د. ک مصوب ۹۲)، قرارهای معاینه و تحقیق محلی (موضوع ماده ۱۲۳ به بعد از ق.آ.د. ک مصوب ۹۲) از این نوع قرارها هستند. (۲) نوعی دیگر از قرارهای اعدادی با حقوق و حریم خصوصی اشخاص در تعارض هستند و امکان دارد که آزادی آن‌ها را به خطر بیندازد. به بیان دیگر، با شأن قضایی بازپرس مرتبط هستند. موضوع ماده ۱۳۹ ق.آ.د. ک مصوب ۹۲ که به «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیای اشخاص» اشاره کرده است؛ در واقع بیانگر «نقض حقوق اشخاص» است. یا در ماده ۲۱۷ قانون مذکور، قرارهای تأمین را پیش‌بینی کرده است و بازپرس می‌تواند با توجه به تفهیم اتهام و شرایط موجود در پرونده متهم یکی از قرارهای تأمین را صادر و اخذ کند یا در ماده ۲۴۷ همین قانون، بازپرس با توجه به جرم ارتكابی علاوه بر صدور قرار تأمین، می‌تواند قرار نظارت قضایی برای مدت معینی نیز صادر کند.

در ماده ۲۴۷ ق.آ.د. ک مصوب ۹۲: قرارهای نظارت که توسط بازپرس صادر می‌شوند؛ عبارت‌اند از: «ممنوعیت خروج از کشور، ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی، معرفی خود (متهم) به مراکز تعیین‌شده توسط بازپرس، منع رانندگی با وسایل

رسیدگی به آن فوریت داشته باشد. ۳. در جرائم مشهود، چنانچه بازپرس به‌شخصه ناظر وقوع آن باشد.

اقدامات تحقیقی بازپرس مطابق قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ موارد بسیاری را شامل می‌شود: معاینه محل و تحقیق محلی، تفتیش و بازرسی منازل و اماکن، جلب نظر کارشناس (فصل پنجم ق.آ.د. ک و مواد ۱۶۷-۱۲۳)، احضار یا جلب متهم، بازجویی از متهم (فصل ششم ق.آ.د. ک و مواد ۲۱۶-۱۶۸)، تحقیق از شاکی و شنیدن اظهارات او و غیره.

از آنجا که اغلب این اقدامات، اقداماتی فنی تخصصی و پلیسی هستند که هر کدام از آن می‌تواند متخصص خود را بطلبد می‌توان به جای شأن تحقیقی بازپرس از «شأن پلیسی» وی سخن گفت. زیرا درعین حال که بازپرس می‌تواند آن‌ها را از طریق ضابطان دادگستری انجام دهد منعی برای انجام آن‌ها توسط شخص وی نیست.

۵-۲-۴. شأن قضایی بازپرس در الگوی ایرانی

شأن قضایی به‌طور کلی عبارت است از اختیار و قدرت تصمیم‌گیری در خصوص نقض حقوق اساسی افراد یا تأیید یا رد ادله مربوط به براءت یا مجرمیت و وجود یا نبود مسئولیت افراد است. شأن قضایی بازپرس در ارتباط با تصمیمات متعددی همچون «قرار یا دستور» شناخته می‌شود. قرار یا دستورهایی مانند «بازداشت موقت، تحت نظر داشتن متهم به مدت ۲۴ ساعت» و غیره. به‌طور کلی قرارهای اصداری بازپرس در دو گروه قرارهای اعدادی و نهایی قرار می‌گیرند که

نقلیه موتوری». از این ماده می‌توان دو نتیجه را گرفت: ۱. این نوع قرارها ماهیتاً تکمیلی هستند و به قرارهای تأمین اضافه می‌شوند. یعنی دو تکلیف یا وظیفه متفاوت در قالب تأمین و نظارت بر متهم تحمیل می‌شوند. ۲. ماهیت این قرارها به مثابه «حکم محکومیت به مجازات» هستند. در آئین دادرسی کیفری فرانسه، قاضی آزادی‌ها و بازداشت به طور اختیاری می‌تواند متهم را به یک یا چند مورد از قرارهای تأمین و نظارت (که از همدیگر جدا نیستند) مجبور کند؛ اما در آئین دادرسی کیفری ایران، بازپرس ملزم به صدور قرار تأمین می‌باشد اما در مورد قرارهای نظارت، دارای اختیار است. به هر حال، قرارهای نظارت محل حق آزادی اشخاص هستند و طبق اصل برائت، تا زمانی که یک شخص متهم است و ارتکاب جرم صورت گرفته توسط او به اثبات نرسیده است، نباید قرارهای نظارت برای متهم صادر شوند. هم‌چنین هدف از ذکر این قرارها در قانون آئین دادرسی کیفری ۹۲ توسط مقنن «پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح متهم» بوده است.

در مقابل قرارهای اعدادی، قرارهای نهایی وجود دارند. این نوع قرارها بعد از اتمام مرحله تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری ادله، بازپرس می‌تواند «عدم صلاحیت، امتناع از تحقیق و موقوفی تعقیب» صادر کند. در این نوع قرارها، آنچه مهم است «کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی در خصوص انتساب رفتار مجرمانه به متهم» است. اگر بازپرس با جرم نبودن رفتار مجرمانه یا کافی نبودن ادله روبه‌رو شود، قرار منع تعقیب و یا برعکس که قرار جلب به دادرسی یا بنا به عدم مسئولیت فرد موقوفی تعقیب را صادر می‌کند.

به هر حال، در آئین دادرسی کیفری ایران شأن قضایی بازپرس بسیار گسترده است. به همین دلیل، باید از مصونیت شغلی بیشتری برخوردار باشد (آخوندی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۵۴). با توجه به مطالب ذکر شده، بازپرس برخلاف دادیار و یا معاون دادستان در اکثر موارد مانند صدور قرارها و تصمیمات خویش ملزم به تبعیت از دادستان نیست. اگرچه دادستان و حتی گاهی قاضی دادگاه بر اقدامات او نظارت می‌کنند؛ اما قانون، بازپرس را یک مقام یا قاضی ایستاده مستقل و مقتدر محسوب کرده است (یعقوبی، ۱۳۸۲، ۳۳).

البته باید اذعان کرد که بین بازپرس ایرانی و بازپرس فرانسوی نقاط اشتراک فراوانی وجود دارد و جمله مشهور ناپلئون «بعد از من، بازپرس مقتدرترین شخص فرانسوی است»، در مورد بازپرس‌های ایرانی حتی بیشتر از بازپرسان فرانسوی صدق می‌کند.

۵-۲-۵. دادستان و دادیار، جانشین بازپرس در پرونده‌های کم‌اهمیت‌تر

بر طبق ماده ۹۲ قانون اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری ۹۴، دادستان و دادیار در مرحله تحقیقات مقدماتی جرائم، در شرایطی جایگزین بازپرس می‌شوند. در «جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک نیست و به شرط کمبود بازپرس، آن‌ها دارای کلیه وظایف و اختیاراتی می‌شوند که برای بازپرس تعیین شده است». دادستان بر این اساس و شرایط می‌تواند پرونده‌ای را تشکیل و به یکی از دادیاران ارجاع دهد که در این صورت، دادیار عهده‌دار انجام همه تحقیقات مقدماتی، صدور قرارهای نهایی و حتی قرار

تفکیک تعقیب و تحقیق وابسته به وجود آن است. وجود بازپرس در مرحله تحقیقات باعث تفکیک تعقیب از تحقیق شده است و نبود بازپرس در این مرحله سبب می‌شود تا روند تعقیب و تحقیق یکنواخت و در دست یک نفر باشد. بنابراین دو دسته الگو از این وضعیت حادث شده است که یکی الگوی دارای بازپرس و دیگری الگوی بدون بازپرس است.

در کشورهای دارای الگوی بازپرس، بازپرس به‌عنوان مقام تحقیق شناخته می‌شود. این کشورها عمدتاً از حقوق رومی-ژرمنی پیروی می‌کنند. بازپرس در این کشورها اغلب مقامی قضایی و دارای اختیارات نسبتاً زیادی در امور تحقیقاتی است. این گروه کشورها بر پایه اهمیت که برای مرحله تحقیقات قائل‌اند این مرحله را بسیار با اهمیت می‌دانند؛ زیرا این مرحله، مرحله‌ای است که پایه و اساس یک پرونده ریخته می‌شود و شکل می‌گیرد. تمامی مراحل جمع‌آوری ادله و نیز همه تحقیقات لازمه در محدوده جرم ارتكابی انجام می‌شوند. به‌بیان دیگر، نزدیک‌ترین مرحله به جرم ارتكابی است.

در الگوی ایرانی، گام مثبت قانون آئین دادرسی کیفری آن است که انجام تحقیقات توسط دادستان منوط به کمبود بازپرس شده است. هم‌چنین تصریح به مواردی نظیر نبود امکان استرداد پرونده ارجاع‌شده به بازپرس و لزوم ارجاع در صورتی که بازپرس تحقیقات را خود شروع کند، از دیگر تغییرات مثبت این قانون است.

تغییرات قانون مذکور، آئین دادرسی کیفری ایران را با اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق هماهنگ‌تر کرده است؛ ولی مواردی از نقض این اصل در قانون مشاهده می‌شود و نمی‌توان گفت تفکیک مقام

تأمین منتهی به بازداشت متهم می‌شود و آن را در همان روز به سمع و نظر دادستان می‌رساند. هم‌چنین دادستان هم موظف است برای جلوگیری از اطاله وقت حداکثر در مدت ۲۴ ساعت باید اظهار نظر کند.

۶. نتیجه

یکی از مهم‌ترین متغیرهای الگوساز در تحقیقات مقدماتی که در قالب‌های ساختاری تنوع زیادی را ایجاد کرده است بازپرس است. بازپرس جزو مقامات اولیه مرحله تحقیقات در روند پیش دادگاه نبوده است؛ بلکه بعدتر و در گذر زمان وارد این ساختار آن‌هم در برخی نظام‌های حقوقی شده است که همین مسئله باعث ایجاد رویه‌های متفاوت در تحقیقات شده است و بر همین اساس الگوهایی بر معیار وجود یا نبود بازپرس طرح شده است.

مشخص شد ایجاد نهاد بازپرسی و مقام بازپرس در راستای تکامل فرآیند تحقیقات مقدماتی به این ساختار اضافه شده است و اهدافی از جمله بی‌طرفی که مهم‌ترین هدف هم به حساب می‌آید در ورای این تصمیم بوده است. این موضوع در نسخه‌های ابتدایی بازپرس مشهود است؛ اما رفته‌رفته تردیدهایی در خصوص این هدف به‌وجود آمد و در کنار دلایل دیگر از جمله کند شدن تحقیقات مقدماتی با وجود بازپرس، ایجاد نهادهای نظارتی و اعتماد به دادستان سبب شده است تا بازپرس دوران ضعف خود را طی کند. مشخص شد بازپرس همان عنصر الگوسازی است که یکی از مهم‌ترین مباحث در تحقیقات مقدماتی یعنی یکسانی مراحل تعقیب و تحقیق و

تعقیب از مقام تحقیق به‌طور کامل مورد پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه، اینکه در جرائم منافی عفت، پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود به-معنای نقض تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در نوشتن پژوهش حاضر به‌طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع: در نگارش و چاپ این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

- علوی، سیدابوذر، بازپرس و بازپرسی در نظام حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بین، ۱۳۹۴.

- کوشکی، غلامحسین، «بررسی اختیارات و وظایف دادستان در آ.د.ک ایران و فرانسه»، رسالهٔ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

- گلدوست جویباری، رجب، کلیات آئین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.

- گلدوست جویباری، رجب؛ قلی‌پور جمنانی، فرامرز، «عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مجلهٔ حقوقی دادگستری، شمارهٔ نودودوم، زمستان ۱۳۹۴.

- گلدوست جویباری، رجب؛ قلی‌پور جمنانی، فرامرز، «عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مجلهٔ حقوقی دادگستری، شمارهٔ نودودو، ۱۳۹۴.

- یعقوبی، عبداله‌اشم، نحوهٔ رسیدگی به جرائم در دادسرا و دادگاه‌های دادگستری، چاپ ششم، تهران، نشر فردوسی، ۱۳۸۲.

- یوسفی، ایمان، تحقیقات مقدماتی آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.

- ابراهیمی، شهرام؛ تدین، عباس؛ کوشکی، غلامحسین، نهادهای قضایی فرانسه، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.

- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.

- آخوندی محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد ششم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.

- تدین، عباس؛ کوشکی، غلامحسین، ترجمهٔ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، تهران، نشر مرکز مطالعات توسعهٔ قضایی قوة قضائیه، ۱۳۸۱.

- جوانمرد، بهروز، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنام، ۱۳۸۹.

- رنه، داوید؛ کامی، ژوفره اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوق معاصر، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.

- شاکری، ابوالحسن؛ هادی‌زاده، رضا، «اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در حقوق ایران»، مجلهٔ پژوهش‌نامهٔ حقوق کیفری، شمارهٔ سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

- شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

لاتین

- John Bell; Boyron; Simon Whittaker, *Principles of French Law* Press, First Edition, New York, Press Oxtord University, 1998, p;123.